

# ادبیات کودکان

تألیف

علی اکبر شعاری نژاد



انتشارات اطلاعات

تهران-۱۳۸۷

سرشناسه: شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۰۴ -  
عنوان و نام پدیدآور: ادبیات کودکان / تألیف علی اکبر شعاری نژاد  
وضعیت ویراست: ویراست ۴  
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷  
مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص.  
شابک: 978-964-423-728-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: چاپ بیست و ششم  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۰۷-۳۰۸: همچنین به صورت زیر نویس  
موضوع: ادبیات کودکان و نوجوانان  
موضوع: کتاب و مواد خواندنی  
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات  
رده بندی کنگره: ۱۳۷۸ ۷ش ۲ف/ ۱۰۰۹ PN  
رده بندی دیویی: ۸۰۸/۰۶۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۴۸۷۵۵



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شمارهی پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱  
تلفن: ۲۹۹۹۲۲۵۵۶  
فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۲۶۰۷۲۲

ادبیات کودکان

تألیف دکتر علی اکبر شعاری نژاد

ویراستار: محمدحسین خسروانی حروفنگار: منصوره صفی صفحه‌آرا: فاطمه حلوانی  
طراح روی جلد: رضا گنجی حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۷۸ چاپ بیست و ششم: ۱۳۸۷ شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۴۰۰ تومان

شابک: 978-964-423-728-7 978-964-423-728-7

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار (چاپ بیست و ششم)
۱۷	پیش‌گفتار (چاپ هیجدهم)
۲۱	پیش‌گفتار (چاپ چهاردهم)
۲۷	فصل اول: حرمت زندگی
۸۵	فصل دوم: ادبیات کودکان (و نوجوانان)
۱۰۷	فصل سوم: سرگذشت
۱۳۵	فصل چهارم: مهارت خواندن در کودکان
۱۵۵	فصل پنجم: انتخاب کتاب
۱۸۹	فصل ششم: داستان
۲۴۱	فصل هفتم: کتاب و کتابخانه کودکان
۲۶۵	فصل هشتم: وسایل ارتباط جمعی
۲۷۹	فصل نهم: بازیهای دراماتیک
۲۸۵	فصل دهم: چند داستان (قصه) مفید
۳۰۷	منابع

هستم اگر می‌روم

گر نروم نیستم

اقبال

ادبیات، وسیله‌ای است برای روشن ساختن و  
گسترش فهم ما از جهان.

پیش‌گفتار

(چاپ بیست و ششم)

ادبیات کودکان و نوجوانان

در

قرن ۲۱

کودک، جامع‌ترین، کامل‌ترین، و معتبرترین

کتاب روان‌شناسی کودک و زبان و ادبیات

کودک و فلسفه است.

پیام کودکان به ما بزرگسالان.

ای بزرگسالان: والدینها، مربیان و... شما هم از ما یاد بگیرید:

❖ بدون هیچ‌گونه دلیل خاصی، شاد و امیدوار هستیم؛

❖ دقیقه‌ای از اوقات بیداری خود را بیهوده نمی‌گذرانیم؛

❖ برای به دست آوردن آنچه که نیاز داریم، به شدت تلاش می‌کنیم؛

❖ جسور و متهور هستیم؛

❖ تشنه‌ی هر چیز نو هستیم؛

✽ از تغییر و تحول، هراسی نداریم.

پس، بیایید با ما زندگی کنید.

یعنی:

✽ زبان ما را دریابید.

✽ از ما نگران نباشید.

✽ ما احیاگر شخصیتها و ارزشهای شما هستیم.

✽ ما صریح و صدیق و رفیق هستیم.

✽ ما غالباً آینه تمام‌نمای شما هستیم.

✽ ارتباط ما با شما کاملاً بی‌شائبه است.

✽ ما با تعارفهای غالباً تظاهری شما بیگانه‌ایم، و آنها را اصلاً دوست نداریم.

✽ ما همواره از شما سیاست‌گزاریم.

✽ ما شادی خود را در شادی شما می‌دانیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه زندگی کنیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه همسری باشیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه مادری یا پدری باشیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه شهر و ندی باشیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه با مردم ارتباط برقرار کنیم.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که چگونه فرهنگ خود را محترم شماریم و در صورت

لزوم، برای اصلاح آن بکوشیم.

✽ ما اکنون با همهٔ جهان و جهانیان ارتباط داریم.

✽ ما اکنون نمی‌توانیم خود را در چهار دیواری محدود کنیم.

✽ ما اکنون ناگزیریم مهارت‌های زیادی را یاد بگیریم.

✽ ما اکنون ناگزیریم با فرهنگ‌های گوناگونی در ارتباط باشیم، و با آنها زندگی کنیم.

✽ ما اکنون نیاز داریم شخصاً با مسائل زندگی، در محدودهٔ رشد و تکاملی خود،

روبه‌رو شویم. از این رو، نیاز داریم از شما یاد بگیریم:

- چگونه مسائل زندگی را در یابیم،

- چگونه از روبه‌رو شدن با مسائل زندگی نترسیم،

- چگونه برای تحلیل و تبیین آن مسائل پردازیم،

- چگونه برای حل آنها در موارد لزوم از دیگران کمک بخواهیم،

- چگونه در این امر، مهارت پیدا کنیم،

- سرانجام، چگونه «خودگردان» باشیم.

※ ما نیز خود را مسئول می‌دانیم.

※ ما اکنون علاقه‌مندیم و نیاز داریم در محدوده شرایط رشدی خود، در مسئولیت‌های

اجتماعی شما شریک باشیم.

※ ما از هر گونه پیشرفت و موفقیت در تحصیل علم لذت می‌بریم و همواره از مریبان

خویش سپاسگزاریم.

※ ما از خانواده‌های خود و مدارس کشورمان می‌خواهیم ما را از زندگی طبیعی خود

«آکمون- اینجا» دور نکنند.

※ ما ناگزیریم به امروز و فردا بیندیشیم و نباید در گذشته، در جا بزنیم.

※ ما به محیط سالم، تغذیه سالم، تحرک سالم، و تفریح سالم نیاز داریم، و از بزرگسالان

خود جز این انتظار نداریم که آن‌ها را برای ما فراهم کنند و ما را در این تلاش و چالش، همراه

خود گردانند.

مریبان موفق از ویژگی‌های: عشق و جرئت و ایمان و امید  
و اعتماد و اعتدال و حساسیت و فعالیت و خلاقیت و  
وجدان بیدار و عدالت و آزاداندیشی برخوردارند.

※ ما نمی‌خواهیم همیشه کودک بمانیم و همیشه با ما کودکانه رفتار شود.

※ ما از شنیدن نام خود از بزرگسالان لذت می‌بریم.

※ ما نیاز داریم در حد توان خویش با واقعیت‌های تلخ زندگی آشنا شویم و از شما

بزرگسالان یاد بگیریم که چگونه آن‌ها را تحمل کنیم.

✽ ما به رشد و گسترش خودپنداری مثبت، عزت نفس، و اعتماد به نفس نیاز داریم؛ و آنها را از کسانی می‌توانیم یاد بگیریم که شخصاً از آنها بهره‌مند باشند.

✽ ما از پدران و مادران و مربیان یا معلمانی بیشتر یاد می‌گیریم که حساس و فعال و خلاق باشند. و سرمشق زندگی سالم و موفق در جهان امروز باشند.

✽ ما فرایندهای محبت و نفرت و چگونگی اظهار آنها را از شما یاد می‌گیریم.

✽ ما از کردارهای شما بیشتر از گفتارهای شما یاد می‌گیریم.

✽ ما غالباً تقلید می‌کنیم عبرت نمی‌گیریم.

✽ ما فرایندهای راست‌گویی و دروغ‌گویی و تملق و صراحت و صداقت را از شما یاد می‌گیریم.

✽ ما نیاز داریم مدتی از روز را در خلوت خود باشیم.

✽ ما خود را مسئول تربیت و زندگی خود می‌دانیم البته در محدوده سنی خود.

✽ ما از شما انتظار داریم که ما را در آموختن «چگونه خودگردان» شدن در زندگی

یاری کنید.

✽ ما توطئه‌گر نیستیم و نمی‌خواهیم شما را ناراحت کنیم.

✽ ما علاقه‌مندیم و نیاز داریم یاد بگیریم که چگونه از ضعف مدیریت و جهل مرکب و

بی‌انصافی در امان باشیم.

✽ ما نیاز مند و مشتاق هستیم یاد بگیریم که چگونه خود را بشناسیم، خود را ببینیم،

و چگونه خود محور یا خودمدار نباشیم و خود باشیم.

✽ مادر دنیای امروز ناگزیریم یاد بگیریم که:

- چگونه یادگیری فعال و مؤثر داشته باشیم،

- چگونه آموخته‌های خود را به کار ببریم،

- چگونه از زندگی سالم و شاد برخوردار باشیم،

- و چگونه با ممنوعان خود زندگی کنیم بدون اینکه خود را برتر از ایشان یا ایشان را برتر از

خودمان تلقی کنیم.

✽ ما نیز مانند همه موجودات زنده به محیط یا شرایط مساعد رشد و تکامل طبیعی و

سالم نیاز داریم.

✽ ما نیاز مندیم یاد بگیریم که چگونه بر خویشتن مسلط باشیم بدون اینکه احساس حقارت کنیم.

✽ ما همواره به راهنمایی‌های صادقانه و عالمانه بزرگسالان خود نیاز داریم و از آنها لذت می‌بریم خصوصاً زمانی که شکل پند و اندرز به خود نگیرند.

✽ ما از فهمیدن، نه فهماندن، بیشتر لذت می‌بریم و یاد می‌گیریم.

✽ ما وقتی احساس فراموش شدگی و از خود بیگانگی می‌کنیم که کارهایی را که خود باید انجام دهیم یا می‌توانیم انجام دهیم، بزرگسالان برای ما انجام دهند.

✽ ما مشتاق و نیاز مندیم نقشه‌های همسری، جنسی، والدینی، و شغلی خود را در آینده، و چگونگی ایفای آنها را یاد بگیریم. چون بالقوه پدر و مادریم، همسریم، و شاغل هستیم.

✽ شما بزرگسالان، طبعاً، سرمشقها و الگوهای رفتاری ما هستید.

✽ ما از شما یاد می‌گیریم که از خودمان، جامعه‌مان، جهان‌مان و به‌طور کلی بزرگ‌ترانمان چه انتظاری داشته باشیم.

✽ ما از شما بزرگسالان یاد می‌گیریم که چگونه از سلامت همه جانبه: اندامی و روان‌شناختی بهره‌مند شویم و از آن لذت ببریم.

✽ ما نیاز مندیم از شما یاد بگیریم که چگونه با طبیعت و محیط زیست، ارتباط برقرار کنیم و از لطمه‌زدن به آن، پرهیز کنیم؛ و آن را محترم بشماریم.

✽ ما از شما بزرگ‌ترها یاد می‌گیریم که چگونه از نظم و انضباط در سراسر زندگی خود برخوردار باشیم.

✽ ما قواعد بهداشتی انفرادی و اجتماعی را از شما یاد می‌گیریم.

✽ رشد و تکامل ما عمدتاً تابع رشد و تکامل بزرگان‌مان است.

✽ ما چگونه فرزند بودن و چگونه فرزندگی کردن را از شما یاد می‌گیریم.

✽ ما هم مثل شما بزرگسالان، مسائلی برای خودمان داریم، درباره آنها می‌اندیشیم، و

فلسفه‌ورزی می‌کنیم.



❖ ما هم، مثل شما، نیاز داریم مورد عنایت و عطف قرار بگیریم و مطرح باشیم و احساس هویت کنیم.

❖ ما هم دربارهٔ امور خانه و خانواده، مدرسه، درس و برنامه‌ها، و مدیریت جامعه و جهان، نظرهایی داریم.

حال، ای پدران و مادران و معلمان مهربان، خود را به شما معرفی کردیم و این است «زبان و ادبیات ما». هر گونه ارتباط کلامی با ما، در خانه و در مدرسه، در واقع، «ادبیات ما» تلقی می‌شود. کلامی که برای ما «معنادار» باشد:

الف. کلمات و جملات آن را نفهمیم،

ب. به تجربه‌ها و اطلاعات سنی ما مربوط باشد،

ج. به نیازهای سنی ما پاسخ گوید.

ما از شما بزرگسالان انتظار نداریم که به جای ما بیندیشید، تصمیم بگیرید، و یاد بگیرید. تنها انتظار ما کودکان از شما این است که زمینه‌های لازم را برای ارضای نیازهای مذکورمان فراهم آورید. و بزرگ‌شدن و پیش رفتن را به عهدهٔ خود ما بگذارید، از اشتباهها یا لغزشهای احتمالی ما نگران نباشید که لازمهٔ یادگیری هستند. به طور کلی، با ما باشید نه بر ما و یا برای ما.

ادبیات ویژه ما وقتی واقعاً ویژه و سودمند خواهد بود که این خصایص ناآموخته و آموخته ما را در نظر بگیرد و ما را، به شکل‌های گوناگون، راهنمایی کند. ادبیاتی که همراه و همزمان با درس رسمی در یادگیری مهارت‌های زندگی در جهان امروز، ما را یاری کند بدون اینکه تشریفات امتحان و... را داشته باشد. و این گونه ادبیات خاص ما کودکان در همهٔ علوم و معارف، مطرح است و می‌تواند مطرح باشد.

نویسندگان و مؤلفان و مترجمان ادبیات ما کودکان و حتی نوجوانان باید توجه داشته باشند که قرن معاصر (۲۱) یا قرنی که ما کودکان و نوجوانان طبعاً به آن تعلق داریم به شهروندانی نیاز دارد که:

۱. از سلامت همه جانبه خصوصاً زیست‌شناختی و تن کارشناختی و روان‌شناختی برخوردار باشند.

۲. بتوانند درست و متفاوت و انتقادی بیندیشند، درست تشخیص دهند، و درست تحلیل و ترکیب و تبیین کنند.
۳. بتوانند خوب و پیوسته یاد بگیرند و از آن لذت ببرند، و مدام بر چند و چون اطلاعات و تجربه‌های خود بیفزایند و از جهل مرکب در امان باشند.
۴. در برخورد با مسائل زندگی، واقع‌بین باشند و بازاندیشی و فراتراندیشی را ضروری تلقی کنند.
۵. بتوانند از آموخته‌های خویش به موقع و درست و مؤثر استفاده کنند.
۶. بتوانند درباره‌ی خویشتن درست بیندیشند، و هویت واقعی خود را دریابند و بپذیرند.
۷. بتوانند دیگران، خصوصاً مخالف فرهنگی، را خوب دریابند و بپذیرند، و ایشان را محترم بشمارند.
۸. احساسات و عواطف سالم انسانی را در خویشتن رشد و گسترش دهند.
۹. بتوانند محدودیت‌های خود را درست دریابند، درست ارزیابی کنند، و بپذیرند.
۱۰. بتوانند شرایط یا مقتضیات و موقعیت‌های موجود را به موقع و درست دریابند.
۱۱. از مهارت‌های زندگی اجتماعی برخوردار باشند و از همکاری و همیاری با دیگران لذت ببرند.
۱۲. مهارت‌های سالم زیستن را آموخته باشند.
۱۳. از پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی و درست انجام دادن آنها لذت ببرند.
۱۴. از خودپنداری مثبت و عزت نفس برخوردار باشند.
۱۵. بتوانند عوامل کنترل را ابتداء در خویشتن جست‌وجو کنند.
۱۶. طبیعت یا محیط زیست را از آن همگان بدانند، در سالم نگه‌داشتن آن کوشا باشند، و از آن لذت ببرند.
۱۷. بتوانند حسّاس و فعال و خلاق باشند و آنها را نشانه‌های مطمئن سلامت خویشتن تلقی کنند.
۱۸. بتوانند فرزند زمان باشند و گذشته‌ها را بخوانند اما در گذشته‌ها نمانند.

۱۹. روشنگر و شناگر باشند نه شناور و تابع صرف امواج روزگار.

۲۰. به طور کلی، از مغزهای پر (مجهز به علوم و معارف زمان)، دستهای توانمند (استفاده خوب از تکنولوژی روز)، و دل‌های نرم (محبت) برخوردار باشند که این سه، مبنای اصلی جامعه مدنی و جهان مدنی هستند. به عبارت دیگر، خانواده یا جامعه‌ای را سالم و مدنی خوانند که اعضای آن، خصوصاً اعضای ارشدش، از سه مقوله مذکور برخوردار باشند.



با توجه به گفته‌های بالا می‌توان دشواری و اهمیت نوشتن برای کودکان و نوجوانان را، که فرداهای مذکور را در پیش دارند، دریافت.

علی اکبر شعاری نژاد

استاد ممتاز دانشگاه

۱۳۸۷

ادبیات: مظهر ترکیب فکر و کلام  
و فرهنگ

## پیش‌گفتار (چاپ هیجدهم)

هدف غایی: کمک به رشد و گسترش خلاقیت در کودکان و نوجوانان

شاید شاخص‌ترین ویژگی جهان معاصر، عموماً و انسان معاصر خصوصاً، تغییر و تحول سریعی است که هرگز پیش‌بینی نکرده بود و هنوز، هیچ متفکر یا آینده‌نگری پیدانشده است که بتواند آهنگ سرعت این تغییر و تحول را، نه تنها در آینده، بلکه حتی در حال حاضر، دقیقاً پیش‌بینی کند و طرق جهت‌دادن به آن و کنترل آن را روشن و پیشنهاد کند. به عبارت دیگر، انسان امروز، به احتمال زیاد، از لحاظ سرعت تغییر و تحول همه‌جانبه در تاریخ خود، بی‌نظیر است. بدیهی است که این تغییر و تحول غیرقابل جلوگیری در صورتی برای انسان سودمند خواهد شد که درست‌هدایت و در جهت مثبت کنترل شود و گرنه ممکن است به نابودی یا اضمحلال خود انسان بینجامد و یا او را با مصائب متعدد و متنوع مواجه گرداند!

از جمله راه‌های هدایت و جهت‌مثبت‌دادن به این تغییر و تحول سریع، نه جلوگیری از آن که غیرممکن است و نشانه نادانی، آموزش-پرورش عاقلانه است. و چنین آموزش-پرورشی، حداقل، دارای خصایص زیر است:

\* از تغییر و تحول هرآسی ندارد و حتی از آن استقبال می‌کند.

- ✽ مدارس از جمله‌آ اساسی‌ترین منابع ارزشیابی و هدایت‌تغییر و تحول‌هستند.
- ✽ همیشه بر اساس نیازهای روز زمان و مکان شکل می‌گیرد و حرکت می‌کند.
- ✽ تغییر و تحول مدارس از درون آغاز می‌شود، نه از تحمیل و دستور دیگران.
- ✽ مربیان و معلمان و مدیرانش بیدار و زنده حال و پویا هستند و از تغییر یافتن، یعنی تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب، باکی ندارند.
- ✽ برنامه‌های آموزشی آن در همه‌مقاطع آموزشی (دبستان، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه) قابل‌انعطاف هستند.
- ✽ مسئولانش می‌دانند که هرگونه صرفه‌جویی غیرمنطقی در تهیه‌مواد و وسایل آموزشی یقیناً به ضرر جامعه، هرچند در درازمدت، تمام خواهد شد. مسلم است که قناعت در دو امر بهداشت و تربیت (آموزش-پرورش)، بدون تردید، به عواقب ناگواری خواهد انجامید.
- ✽ مدیران و معلمان، از طرق مختلف، مدام در جریان آخرین یافته‌های علمی، آموزشی، و مدیریت قرار می‌گیرند، و این، نشانه‌عمده‌پویایی ایشان است.
- ✽ مدارس رنگارنگی وجود ندارد و همه‌کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان، در شرایط سنی و شغلی خود، می‌توانند به راحتی از آنها استفاده کنند.
- ✽ مدرسه، منبع یادگیری بسیار غنی است و کل ساختار آن، یادگیری و اردانش را برمی‌انگیزد، گسترش می‌دهد، و هدایت می‌کند.
- ✽ مدرسه، جایگاهی است دارای علم، قدرت، و محبت که جز کمک به رشد و تکامل همه جانبه مردم، هدفی ندارد و هرگونه فعالیتی در آن صرفاً به همین منظور انجام می‌گیرد.
- ✽ برای آموزش-پرورش با خصایص مذکور، مقوله «ادبیات کودکان و نوجوانان» از جمله روشها و وسایل انحصاری در تربیت است و آن را از ضروریات تربیت سالم و مؤثر کودکان و نوجوانان می‌داند. خوشبختانه، درس «ادبیات کودکان» از سالها پیش در برنامه درسی مراکز تربیت معلم، منظور شده است اگرچه، تا آنجایی که مؤلف این کتاب اطلاع دارد، به شکل شاید و باید تدریس نمی‌شود و هنوز موفقیت مطلوب، پیدا نکرده است. شاید علت عمده آن، قلت معلمان واجد شرایط و منابع علمی مفید است.

متأسفانه ما هنوز به این واقعیت مسلم، توجه نداریم و جدی تلقی نمی کنیم که بهترین و شاید هم مطمئن ترین منابع شناخت آدمی، ادبیات، هنر، و روان شناسی است و آن سه در حکم سه زاویه يك مثلث تلقی می شوند که هیچیک از دیگری بی نیاز نخواهد بود. از این رو، معلم درس ادبیات کودکان باید در هر سه مقوله مذکور، اطلاعات جامع داشته باشد و یادگیری این اطلاعات، جز از راه مطالعه عینی کودکان در اوضاع و احوال گوناگون و آثار مکتوب مربوط، امکان ندارد.

مؤلف کتاب حاضر با اعتقادش به نکات مذکور، چاپ هجدهم کتاب در ادبیات کودکان را با موافقت ناشر محترم، مورد تجدیدنظر کلی و همه جانبه قرار داد و بار علمی و روان شناختی آن را، در حد توانش، زیاد کرده این امید که بیش از پیش، مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد و این تنها پاداش مطلوب مؤلف است.

مؤلف ضمن سیاستگزاری از خداوند متعال، که توفیق مطالعه و تجدیدنظر در کتاب حاضر را به او عطا فرمود و دوستان و همکارانی که همیشه مشوق او بوده اند و هستند که تحمل مشقات کار این چنین خطیری را برای او آسان می کند، و مؤسسه محترم اطلاعات که نه تنها با این تجدیدنظر موافقت کرد، بلکه مشوق مؤلف هم شد. به این واقعیت اعتراف می کند که تألیف چنین کتابی تنها گام بسیار کوچکی است که امکان و احتمال دارد، با همه نقایص خود، در مساعد ساختن زمینه رشد و گسترش مطلوب این شاخه از معارف آموزشی جامعه، مؤثر واقع شود. ان شاء الله

برای همه دست اندر کاران آموزش-پرورش کشور در همه مقاطع آموزشی، که مردم به خصوص کودکان و جوانان، را واقعاً دوست می دارند، از کار کردن با آنها و برای آنها واقعاً خوشحال می شوند و لذت می برند، هرگز از ایشان به عنوان وسیله و ابزار، استفاده نمی کنند، و از تعارف و تملق بدورند، توفیق و سعادت مطلوب شان را از خداوند مهربان خواستارم.

علی اکبر شعاری نژاد

۱۳۷۸

شاید آموزش-پرورش، تنها فرایند اجتماعی است که امر و نهی بردار نیست و با بخشنامه، اجرا نمی شود.

يك سفر هزاران كيلومترى  
با يك گام، آغاز مى شود

## پيش گفتار (چاپ چهاردهم)

اگر همه دست اندر کاران مطالعه در رفتار انسان، به جاي مطالعه صرف كتابها، تفكر صرف، و تجربه هاي آزمائشى صرف، با مردم مى زيستند و به مشاهده و مطالعه زنده بندار، گفتار و كردار ايشان مى پرداختند، در شناخت انسان زودتر به تفاهم مى رسيدند و توفيق مى يافتند؛ زيرا شناخت تنها از راه مطالعه چند كتاب يا چند مورد خاص پيدا نمى شود، بلكه به ممارست و عمل نياز دارد.

انسان امروز به اين واقعيت حياتي مهم پي برده كه ناگزير و حتي موظف است به «شدن» پيش از «بودن» و «داشتن» بينديشد و در اين راه بكوشد. او رسالتي دارد منحصر به خودش كه اگر از آن غفلت كند و از مسئوليت و تعهد انساني خود غافل بماند، ديگر نه از انسان خبري خواهد بود و نه از انسانيت؛ و به دست خويش، عوامل فلاكت و هلاكت خود را فراهم خواهد ساخت و به اصطلاح قرآن كريم، زيانكار دنيا و آخرت خواهد شد.

انسان «شدن» يا به خصايص «انسانيت» دست يافتن و آراسته شدن، جز از راه «تربيت سالم» امكان ندارد؛ تربيتي كه به «كليت» رفتار انسان توجه دارد و بهره مندي از «زندگي سالم»، راه هدف عمده خود تلقى مى كند؛ تربيتي كه امروز انسان را فدای آینده نمی کند:

بدون اینکه از آینده او و ارزش حیاتی آن غافل باشد. متأسفانه در گذشته می گفتند و باز هم می گویند و شاید از این پس نیز خواهند گفت: فردای بهتر. ولی کسی نیست که از «امروز بهتر» بپرسد یا سخنی بگوید؛ آیا «فردایی» بدون «امروز» وجود دارد؟ و آیا این دو از همدیگر قابل تفکیک هستند؟

اساس تربیتی که از دوگانگی و چندگانگی به دور است و به این حقیقت عینی، که انسان پیوسته در ابعاد سه گانه خویشتن زندگی می کند، توجه کامل دارد از این قرار است:

«ایمان، برای تحقق عبودیت و یگانه پرستی.

«اخلاق، برای تحقق برادری و روابط سالم و سازنده میان مردم.

«علم، برای تحقق سلطه انسان بر طبیعت و بهره برداری سالم از آن.

تربیتی که علم، قدرت، و محبت متقابل را با هم شرط ضروری زندگی سالم می داند و می کوشد این سه را به صورت هماهنگ در همه مردم ایجاد و تقویت کند، تربیتی سالم و ایده آل است. تربیت یا آموزش-پرورش سالم، این هدف مهم را دنبال می کند که متربی (شخص مورد تربیت) شناخت لازم (نسبت به خداوند و قانونهای او، به خویشتن، به دیگران، به اشیاء و به طبیعت) را پیدا کند و در طول حیاتش پیوسته بر این شناخت پایه ای بیفزاید؛ قدرت لازم را برای کاربرد معقول و مشروع شناخت یا علم و معرفت خود به دست آورد و مهارت محبت متقابل (دوست داشتن و دوست داشته شدن) لازم برای استفاده مطلوب و سالم از شناخت و قدرت اکتسابی اش را بیاموزد.

سالم بودن يك نظام تربیتی و محتوای آن را می توان از میزان و چگونگی توجهش به نکات و موارد مذکور و موفقیتهايش در این موارد شناخت. به بیان دیگر، يك نظام تربیتی سالم، معتقد است که انسان وقتی می تواند از سعادت واقعی هر دو جهان برخوردار شود، که دست و دل و مغز او هماهنگ تربیت یابند و او از بدن سالم، عاطفه سالم، و فکر سالم با هم بهره مند شود.

چنین تربیتی است که انسان مدام ارزش حیاتی آن را در می یابد و خود را کاملاً بدان نیازمند احساس می کند. انسان می داند که هرگز نمی تواند قدرت یادگیری خود را کاملاً تحت کنترل خویش در آورد و مثلاً تصمیم بگیرد که دیگر یاد نگیرد. البته می تواند نوع و



میزان آموختنی را انتخاب بکند، ولی نمی‌تواند یاد نگیرد و تجربه‌هایش را ثابت و یکسان نگه دارد. حال اگر اوضاع یا موقعیتهای یادگیری<sup>۱</sup> مناسبی در اختیارش قرار بگیرند و محیط مساعدی برای یادگیری به وجود آید؛ اولاً شخص به یادگیری هر چه بیشتر و حتی ادامه آن در طول زندگی برانگیخته خواهد شد؛ ثانیاً تجارب سودمندی به دست خواهد آورد و این نیز او را از یک زندگی سالم و مشروع و لذت‌بخش، بهره‌مند خواهد کرد. پس اولیای امور کشور، خصوصاً مسئولان تربیتی (آموزش-پرورش) ناگزیرند فراهم ساختن و تأمین اوضاع یادگیری مناسب و مساعد را برای همهٔ مردم، به‌ویژه کودکان و نوجوانان کشور، نخستین و اساسی‌ترین وظایف خود بدانند و آن را کاملاً جدی بگیرند و پیوسته میزان موفقیت خود را در این امر حیاتی انسانی-دور از هر گونه تعصب-ارزشیابی کنند؛ زیرا ارزشیابی از برنامه‌ها، وسایل آموزشی، و کم و کیف آموزش در صورتی مفید و ثمربخش خواهد شد که (۱) به اندازهٔ خود برنامه‌ها و فعالیتهای تربیتی، جدی و مهم تلقی شود، (۲) مداوم باشد، (۳) باروشها و شیوه‌های علمی انجام گیرد، (۴) از هر گونه تعصب و پیشداوری و اعمال نظرهای شخصی بدور باشد، (۵) نتایج به دست آمده دقیقاً مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند، و (۶) سرانجام، براساس یافته‌ها، تغییرات لازم را در محتوا و اجرا به عمل آورند.

همچنین، انسان معاصر دریافته است که مدرسه-خصوصاً در شرایط موجود (تراکم محصل، کمبود معلم و رزیده، و کمبود وسایل آموزشی مناسب)- تنها محیط مساعد برای تربیت سالم نیست و افزایش و تنوع محیطهای آموزشی گوناگون نیز به تدریج باعث ضعف و کاهش اثر تربیتی مدرسه می‌شوند، به طوری که شاید در چند سال بعد، انسان ناچار شود فائحه مدرسه را، به این شکلی که هست، بخواند و از خیرش بگذرد! و بی‌مدرسه بودن را برداشتن مدرسه به‌عنوان چهار دیواری محدود، ترجیح دهد؛ زیرا متوجه خواهد شد که مدرسه عملاً در مقابل محیطهای متنوع و قوی، توان مقاومت ندارد و جز هزینه اضافی، بازده

۱. اوضاع یادگیری به‌همهٔ عوامل کمی و کیفی مؤثر در یادگیری اطلاق می‌شود. از قبیل: شخصیت معلم، روشهای آموزش، وضع عمومی مدرسه و کلاس، برنامه‌ها و کتابهای درسی، و... برای مطالعه بیشتر در این مورد می‌توانید به کتاب روان‌شناسی یادگیری از همین مؤلف مراجعه کنید.

مطلوب حاصل نمی‌شود؛ مگر اینکه مسئولان آموزشی (تربیتی) کشور افکار بسته‌بندی شده و قالبهای ذهنی خود را از تربیت (آموزش-پرورش) به دور بریزند و با چشم و گوش باز و فکر روشن و عمیق به ارزش انسان و ضرورت رشد و گسترش انسانیت او و قدرتهای طبیعی او بیندیشند و نیازهای حال و آینده فردی و اجتماعی کشور و جهان بشریت را به درستی دریابند. آن‌گاه مدرسه و کلاس را از محدودیت موجودشان بیرون آورند و همه جای کشور را مدرسه، یعنی محل آموزش و آمادگی برای برخورداری از زندگی سالم و در عین حال محل زندگی مطلوب و لذت بخش نمایند و هر گوشه مملکت، کلاس درس - البته نه به معنای متداول و محدودش - باشد و تربیت همه جانبه و چند بعدی، جانشین تربیت یک بعدی یا آموزش-پرورش مدرسه‌ای به صورت مکان و زمان محدود گردد.

نکته دیگر مورد توجه در وضع انسان معاصر، پیشرفت غیر قابل تصور تکنولوژی و ارزش پرداختن به جنبه‌های عملی زندگی است. انسان امروز دیگر نمی‌تواند و نباید فرزندانش را با روشها و شیوه‌های قدیمی تربیت کند. او ناگزیر است به تکنولوژی آموزشی متوسل شود تا از کمترین فرصت، با وجود تراکم روز افزون محصل، بیشترین بهره را ببرد و در اندک مدت، بیشترین مطالب را بیاموزد. او نمی‌تواند و نباید یادگیری را به کلاس درس و کتابهای درسی محدود - و غالباً با محتوای کهنه و حتی مردود - منحصر کند و در یک سال تحصیلی فقط به آموختن مثلاً شمارش اعداد تا صد اکتفا کند؛ یا اینکه محصل تنها با چند دستگاه قدیمی مشخص آشنا شود زیرا، چنان که در بالا گفته شد، کودک یا نوجوان معاصر با نیازهای متعدد و متنوع غالباً اکتسابی که دارد، دیگر در اختیار کامل خانواده و مدرسه نیست و نمی‌تواند یادگیری خود را به این دو محیط، اغلب یکنواخت، محدود کند بلکه او خواه و ناخواه با محیط‌های تربیتی (آموزشی) متعدد و گوناگونی مواجه است و بی اختیار تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد.

موضوع دیگری که فکر انسان معاصر، به ویژه متفکران و دانشمندان را بیشتر به خود مشغول ساخته است، روشن شدن این امر بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد که قدرت ذهن بشر به شدت در حال رشد و تکامل و گسترش است و چنان آینده‌ای - البته به شرط بقای انسان - در پیش دارد که انسان امروز از لحاظ تواناییهای ذهنی نسبت به انسان آینده، حکم

بچه خردسال را خواهد داشت. به بیان دیگر، انسان معاصر از حیث استعدادها و تواناییهای ذهنی یا عقلی هنوز دوران طفولیت خویش را طی می‌کند و به مرحله رشد و کمال مطلوب نرسیده است و چنین کمالی در آینده قابل پیش‌بینی است.

با توجه به نکات مذکور درباره انسان و آینده او، یقیناً اعتقاد به تربیت آزاد یا غیر محدود به زمان و مکان افزایش خواهد یافت و مسئولیت مریبان در فراهم آوردن امکانات مختلف تربیتی و محیطهای گوناگون یادگیری، چندین برابر خواهد شد و ایشان ناگزیرند این حقیقت - احتمالاً تلخ - را بپذیرند که اگر نجنبند و در افکار و عقاید تربیتی خود تجدیدنظر فوری نکنند، بدون تردید و جهه و اعتبار لازم برای مؤثر بودن در مردم به خصوص محصلان را - که شرط لازم برای هر گونه تربیت است - از دست خواهند داد. برای پیشگیری از این پیشامد احتمالی نامطلوب، متخصصان علوم انسانی (روانشناسان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، دانشمندان تعلیم - تربیت) پیوسته در تلاش و کوشش هستند که بهترین، مؤثرترین، و سالم‌ترین وسایل و امکانات تربیتی را به وجود آورند تا محصلان را به صورت همه‌جانبه، مخصوصاً با توجه به سه کیفیت لطیف خاص انسان، یعنی احساسات دینی، احساسات اخلاقی، و احساسات زیبادوستی تربیت کنند، بدون اینکه رفتار انسان را به جسمی و روحی و تغییر رفتار را به آموزشی - پرورشی تقسیم کنند. از جمله این وسایل و امکانات تربیتی مطلوب، که در دهه اخیر مورد عنایت خاص مریبان قرار گرفته است و آثار سودمند آن را در تربیت کودکان و نوجوانان تأکید می‌کنند، موضوع «ادبیات کودکان و نوجوانان» است. آشنایی دقیق با این موضوع و کاربرد صحیح آن می‌تواند آموزش و محیط آموزشی را برای کودکان و نوجوانان بسیار جالب و جاذب نماید. خوشبختانه در کشور ما نیز ارزش و اهمیت تربیتی ادبیات کودکان و نوجوانان - خصوصاً در سالهای اخیر - تا حدی شناخته شده است و آثار متعدد و متنوعی - البته نه در حد و کم و کیف مطلوب - در دسترس همگان قرار دارند.

کتاب حاضر شاید نخستین اثر چاپی زیر عنوان «اصول ادبیات کودکان» است که در سال ۱۳۴۰ چاپ و منتشر شد. در این مدت، سیزده بار با تغییرات کمی و کیفی تجدید چاپ شده است و اینک ویرایش نوین آن باز هم با تغییرات کلی کمی و کیفی به همت واحد

انتشارات مؤسسه اطلاعات چاپ و منتشر می‌شود که سیاست‌گذاری از این مؤسسه و همکاران محترم انتشاراتی آن بر مؤلف، فریضه است. امیدوارم توفیق الهی نصیب همه آنهايي باشد که احترام و تربیت سالم کودکان و نوجوانان کشور را وظیفه خود می‌دانند و در حفاظت این سرمایه جاویدان انسانی از هیچ گونه تلاش و کوشش دریغ ندارند.

علی اکبر شعاری نژاد

اردیبهشت ۱۳۶۴

اگر مردم، بهتر تربیت شده باشند کمتر خود را بر دیگران  
تحمیل می‌کنند.  
جان لاک